

مسالك والممالك

۱-مقدمه

کتاب *المسالك و الممالك*، یکی از مهمترین کتابهای جغرافیایی سده ۱۰م است. مؤلف این کتاب ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری، معروف به کُرخی، از جغرافیانویسان سده ۱۰م است. سال تولد او معلوم نیست، ولی سال درگذشتش با اختلاف حدود ۳۴۶ق/۹۵۷م نوشته شده است.

اصطخری یکی از پایه‌گذاران دانش جغرافیا در جهان اسلام است. او در کتاب خود به توصیف جهان اسلام پرداخته است. اهمیت این اثر در این است که او در طول حیات خود بسیار سفر کرده، ماوراءالنهر (فرارود، آسیای مرکزی)، شام و مصر را دیده است. از اینرو اصطخری توضیحاتی را که در کتاب خود راجع به مناطق و سرزمینهایی که دیده می‌دهد بسیار با ارزش و با اهمیت است. او قلمرو جغرافیایی گسترده‌ای را مورد تحقیق و بررسی قرار داده، و در پی تقسیم جهان اسلام به ۲۰ اقلیم (۲۰ منطقه جغرافیایی وسیع)، از رُبعمعمور و مساحت آن و دریاها سخن گفته، سپس به وصف جزیره‌العرب، اقیانوس هند، دیار مغرب (با اندلس و سیسیل)، مصر، شام، دریای روم (مدیترانه)، جزیره (شمال بین‌النهرین)، عراق (جنوب بین‌النهرین)، دیار خوزستان، دیار فارس، دیار کرمان، سرزمین هند (نواحی مسلمان‌نشین آن)، نواحی غربی و مرکزی ایران، دیلمان، سرزمینهای پیرامون خزر (کاسپی)، بیابانهای داخلی ایران، سیستان، خراسان و ماوراءالنهر (فرارود آسیای مرکزی) پرداخته است. اصطخری تنها به ذکر این مناطق بسنده نکرده و همچنین از حبشه (اتیوپی)، زنگبار (سواحل شرقی آفریقا) و برخی دیگر از مناطق قاره آفریقا سخن به میان آورده است. ذکر این اطلاعات که در آثار جغرافیایی پیش از او وجود ندارد، این اثر را در نوع خود منحصر به فرد کرده است.

اصطخری افزون بر آن مطالب، آگاهی‌هایی از مرزها، شهرها، مسافتها و راههای ارتباطی، همچنین درباره اقوام هر ناحیه و دین مذهب آنان به دست می‌دهد. مثلاً اطلاعات او راجع به صفلابیان (اسلاوها) هر چند اندک و پراکنده، اما بسیار ارزنده است. او از محصولات کشاورزی هر ناحیه، تجارت، صناعت و پیشه مردم آن مطالب سودمندی ارائه کرده است که امروزه از نظر جغرافیای تاریخی، انسانی، سیاسی، مردم‌شناسی و اقتصاد از مآخذ بسیار با ارزش به شمار

می‌آید..

یکی دیگر از مباحثی که این اثر را منحصر به فرد کرده است اطلاعاتی است که او از آثار و بناهای تاریخی مناطق، دژها، آتشکده‌ها و شهرهای حصین و محصور آن می‌دهد که امروزه با مطالعه این کتاب می‌توان به وضعیت این آثار و بناها در سدهٔ ۱۰ق/م پی برد.

اصطخری در این کتاب نقشه‌هایی بر اساس شیوهٔ ابوزید بلخی در *صورالاقالیم* طرح کرده است و چون از ابوزید بلخی که نمایندهٔ مکتب و سستی نو در جغرافیای ایرانی و اسلامی بود، تاکنون اثری بدست ما نرسیده، بنابراین می‌توان اصطخری را حافظ، تکمیل‌کننده و انتقال‌دهندهٔ این مکتب و سنت نو برای جغرافیانگاران پس از خود دانست و با مطالعه کار اصطخری می‌توان به شیوهٔ کار ابوزید بلخی و مکتب بلخی پی برد.

نسخهٔ ثبت شده دهها سال در کتابخانهٔ شیخ صفی (در اردبیل) نگهداری می‌شد، مدتی در کتابخانه معارف و سپس به موزهٔ ایران باستان (امروزه موزه ملی ایران) انتقال داده شد. سپس این نسخه اصیل و کهن توسط برجسته‌ترین نسخه‌شناس ایرانی استاد ایرج افشار با مقابله ۷ نسخه معتبر دیگر از این ترجمه در ۱۳۴۰ش/ ۱۹۶۲م تصحیح و به چاپ رسید. از این ترجمه تاکنون ۱۸ نسخه یافت شده که استاد ایرج افشار برای تصحیح آن از ۷ نسخه معتبرتر استفاده کرده‌اند. نسخه فارسی موجود در موزه ملی ایران به همراه نسخه عربی آن که در کتابخانه گوته المان نگهداری می‌شود بطور مشترک برای ثبت به یونسکو پیشنهاد شده بود

۲- ارزش جهانی اثر به دلایل متعدد:

الف) زمان: چنانکه اشاره شد اصطخری پایه‌گذار دانش جغرافیا در جهان اسلام بود که بوسیلهٔ او مکتب جغرافیایی بلخی بیشتر شناخته شد. او نه تنها در زمان خود در سدهٔ ۱۰ق/م بر دیگر جغرافیانگاران تأثیر گذاشت، بلکه این تأثیر تا چند سده همچنان ادامه داشت و کتاب او منبع و مأخذی برای جغرافیانویسانی چون مقدسی، جغرافی‌نگار سدهٔ ۱۰ق/م و نیز مورد توجه مؤلف ناشناخته متن فارسی *حدود العالم* و یاقوت حموی *معجم البلدان* جغرافی‌نویس سدهٔ ۷ق بود.

از آن گذشته ابن حوقل نصیبی از دیگر جغرافیانگاران سدهٔ ۱۰ق معاصر اصطخری، تأکید می‌کند که

انگیزه اصلی اش از تألیف کتابش، دیدار و ملاقات با اصطخری و مطالعه آثار او بوده است. چنانکه ابن حوقل اشاره کرده، اصطخری نقشه منطقه فارس را بسیار مضبوط کشیده بود.

مقدسی از دیگر جغرافیانگاران سده ۴ق / ۱۰م در کتاب خود *احسن التقاسیم* کار و سبک اصطخری را بسیار بهتر از بلخی شمرده، چنانکه او اشاره کرده بلخی در طول حیات خود سفر نکرده، لذا آنچه در مورد مناطقی که توضیح داده، مطالب او به درستی و اهمیت مطالب اصطخری نمی تواند باشد. از لحاظ زمانی دامنه نفوذ کتاب *مسالک و ممالک* آن چنان گسترده بود که در سده ۹ق / ۱۵م نسخه ای از این کتاب در کتابخانه شاهرخ تیموری وجود داشت و بنا به گفته ایران شناسان بزرگی چون ولادیمیر بارتولد انگیزه حافظ ابرو در تألیف کتاب جغرافیای خود شد.

کتاب *المسالک و الممالک* اصطخری نزد مسلمانان دارای آن چنان اعتبار و اهمیت بود که ۶ سده پس از تألیف این کتاب در اوایل سده ۱۱ق (۱۰۰۳ق) / اواخر سده ۱۶م (۱۵۹۶م) در روزگار سلطان محمد سوم عثمانی به زبان ترکی ترجمه شد. و این گواه آن است که *مطالب المسالک و الممالک* اصطخری حتی چند سده پس از آن، همچنان سودمند می نمود.

ب) مکان: همان طور که اشاره شد اصطخری بیشتر مناطق مسلمان نشین جهان را مورد بررسی قرار داده است. او شخصاً به سرزمینهای اسلامی سفر کرده، از راهها، سرزمینها و ویژگیهای هر مکان، از آثار و بناهای مکانها و شیوه معیشت مردم آنجا سخن به میان آورده که امروزه از نظر جغرافیای تاریخی بسیار با ارزش و یکی از مهمترین منابع و مآخذ برای پژوهشگران تاریخ و جغرافیای تاریخی به شمار می آید.

ج) مردم: در این کتاب به شرح مردم، خُلقها و عاداتشان، شیوه زندگیشان، دین و مذهب آنان و گروههای قومی و اینکه در آن دوره به چه زبانی سخن می گفتند پرداخته شده است.

د) موضوع و مضمون: *المسالک و الممالک* اصطخری کتاب جغرافیایی است که امروزه دارای پایگاه و جایگاه دقیق علمی است و به عنوان یکی از مآخذ مهم در جغرافیای تاریخی، انسانی و سیاسی و مردم

شناسی، در تحقیقات علوم انسانی به شمار می‌رود.

ه) **فرم و سبک:** ترجمه فارسی اثر که به *مسالک و ممالک* نامگذاری شده، از نظر لغات و اصطلاحات مربوط به سده ۵ و ۶ق بسیار حائز اهمیت است. اسلوب زبان و متن کتاب *عربی المسالک و الممالک* آنچنان ساده و به سبک فارسی نزدیک است که شرق‌شناس بزرگی چون کارل بروکلیمان این نظریه را ارائه کرد که شاید مؤلف، کتاب خود را ابتدا به زبان فارسی نوشته باشد. چنانکه وجود کلمات فارسی در نقشه‌های موجود در متن عربی هم این نظریه تقویت می‌کند.

دانشمندان اروپایی دیگری هم به این ترجمه فارسی توجه داشتند، چنانکه ویلیام اوزلی سالها ترجمه فارسی *المسالک و الممالک* را که نسخه‌ای از آن را خود در اختیار داشت، آن را به اشتباه ترجمه‌ای از کتاب ابن حوقل می‌دانست و او این کتاب را به همین عنوان تدوین کرده بود، اما بعدها معلوم شد که این ترجمه بسیار ارزشمند همان، ترجمه کتاب *اصطخری* است.